

نقش خلوت در معماری خانه ایرانی

محمود ارژمند^۱، سمیه خانی^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری مرمت ابنیه و بافت، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۵

چکیده

خانه، مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در آنزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد و «خلوت» با خود، با همسر و فرزندان، با والدین و خواهر و برادر و دیگران همه و همه بی‌تعرض غیر در آن ممکن می‌گردد. خلوت در مسکن از ضروریات هر محیط مناسب برای زیست انسان به شمار می‌رود. وجود خلوت در محیط زندگی، می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب در ابعاد فردی و اجتماعی بیانجامد. علاوه بر آن، آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضای آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند خلوت در مسکن است؛ چرا که مسکن به معنای جایی که سکینه و آرامش در آن جاری است، نیازمند نوعی خلوت است. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی امری ضروری است که به وسیله عناصر کالبدی و در بستر فردی و اجتماعی هر جامعه‌ای و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی آن میسر می‌شود. این مقاله با پرداختن به مفهوم «خلوت» به روش کیفی و با مروری بر تعاریف مختلف و بعضی نظریه‌های این حوزه، به بررسی این مفهوم در حوزه فرهنگ اسلامی می‌پردازد و در ادامه، دو نسبت جدید «خلوت با خویش» و «خلوت با خدا» را به مفاهیم مربوط به حوزه این نوع مطالعات می‌افزاید. هم‌چنین، ضمن نشان دادن اهمیت این معنا در این فرهنگ به عنصر فضایی و کالبدی آن در معماری نمونه‌های مورد بررسی اشاره می‌نماید که به صورت عناصر کالبدی، هم‌چون صندوق خانه‌ها، پستوخانه‌ها، خلوت‌خانه‌ها، زاویه‌ها و یا کنج‌ها، شکل گرفته‌اند. در پایان مبتنی بر تعاریف و مصادیق مربوط و با توجه به پاسخ‌هایی که ساکنان فعلی مسکن ایرانی - اغلب به ناچار و در محدوده فعلی بناهای خود - به این نیاز داده‌اند، پیشنهاد می‌کند که طراحان معمار مسکن ایرانی، فضاهایی را چه به صورت مستقل و چه به صورت همراه با فضاهای دیگر - که امکان تفکیک داشته باشد - در طراحی فضاهای مسکن لحاظ نمایند.

واژگان کلیدی: معماری ایرانی، خانه ایرانی، خلوت، فضای شخصی، حریم و قلمرو.

معماری و تعاملات اجتماعی

بی تردید روابط متقابل ما با دیگران نقش مهمی در اولویت‌هایمان در سکونت‌گاه دارد و محیط ساخته شده باید بتواند نیازهای مربوط به این روابط را پاسخ گوید. از سوی دیگر، می‌دانیم که فضاها، نقش‌های اجتماعی خاصی را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند و برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند و در نهایت جهت و ابعاد جدیدی به رفتارهای ساکنان خود می‌بخشند.

عطف به این مفاهیم و با نظری به معماری گذشته در می‌یابیم که در آن معماری، این نیازها - نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان، حفظ حریم‌ها و نیاز به خلوت - در جای خود به خوبی پاسخ می‌گرفتند؛ به گونه‌ای که تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی، همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مد نظر قرار داشتند.

در نظریه‌های طراحی محیط اظهار نظرهایی راجع به چگونگی تأثیر طراحی بر تعامل اجتماعی شده است. با نظری به الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های محیط ساخته‌شده در می‌یابیم که همان قدر که طراحی محیط و مواد و مصالح تشکیل‌دهنده آن، کانال‌های ارتباط اعضای هر حلقه رفتاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، محیط ساخته‌شده نیز فرآیندهای اجتماعی انسان را متأثر می‌سازد.

نگاهی به رفتارشناسی انسان‌ها در تعاملات اجتماعی

اگر روان‌شناسی اجتماعی، مطالعه نحوه تعامل مردم با یکدیگر و نحوه تأثیر حضور واقعی یا ضمنی دیگران بر افکار و احساسات و رفتار و مقاصد مردم تعریف شود (فرگاس، ۱۹۴۷: ۱۶)، هر الگوی جاری رفتار آدمی در تعامل با مسکن، نیازمند سطح مطلوبی از ارتباط فردی در برابر تعاملات اجتماعی است. «خلوت» به عنوان نوعی از این ارتباطات، ویژگی خاصی است که حضورش در مسکن بیش از هر جای دیگری دیده می‌شود که به تناسب نیاز فرد یا افراد و هم‌چنین در رابطه با هر فعالیتی، معنای خاصی خواهد داشت.

۱. تعامل اجتماعی با نظام‌های اجتماعی

درباره تعامل اجتماعی نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که از آن جمله نظر بوم‌شناسی جوزف فرگاس است. وی در مورد مفهوم «خلوت» چهار مشخصه برمی‌شمارد:

۱-۱. ارتباط محیط و رفتار بر بنیانی فلسفی بنا می‌شود که بر سطوح چند گانه رفتار تأکید می‌کند. افراد معمولاً برای رسیدن به سطح مطلوب خلوت از سازوکارهای رفتاری گوناگون مثل رفتار کلامی، رفتار غیر کلامی، رفتار محیطی، و هنجارها و کنش‌های فرهنگی بهره می‌گیرند. با سازوکار رفتاری متفاوت می‌توان به درجات گوناگون خلوت دست یافت. برخی از این سازوکارها عبارتند از:

الف) رفتار کلامی (محتوای سخن)

یکی از ابزارهای مهم کنش متقابل اجتماعی ارتباط کلامی است. کلمات قادر هستند همه حالات و تمایلات فرد را منتقل

معماری «ظرف» زندگی انسان در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی (و منطبق بر شرایط زیستی و بومی) است. با این نگاه، برای تحقق معماری علاوه بر توجه به وجوه ملموس و مادی (کالبد) آن، باید حوزه‌های انسانی چه در حیثیت فردی و چه در حیثیت اجتماعی را نیز مورد تأمل و مطالعه قرار داد.

اولین نقطه استقرار انسان، خانه بوده است. به این معنا که نخستین فضایی که انسان برای استقرار و قرار یافتن خود برگزید، خانه است. مسکن به معنای ساکن شدن (خلاف حرکت کردن) و منزل به معنای محل نزول و مستقر شدن است. انسان در طی سیر تاریخی خویش به منظور یافتن آن چه که در حرکت نمی‌یافت، استقرار پیدا کرد. به این معنا که اگر انسان درون خانه‌ای قرار نمی‌گرفت، این امکان برای او فراهم نمی‌شد تا رشد انسانی بیابد. واژه مسکن از ریشه «سکن» به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن تسکین یابد. ما به همان اندازه که احتیاج به هم‌نشینی با افراد خانواده داریم، به همان اندازه نیز احتیاج به داشتن محیط خلوت (با خود بودن، تفکر و عبادت) داریم. واضح است که انسان علاوه بر نیاز به استقرار در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رها شدن از برخی قیود اجتماعی، استراحت به نحو دل‌خواه، ارتباط با محرمان خود، خلوت کردن با خویش و راز و نیاز با خدا نیاز دارد. اگر خانه تأمین‌کننده این نیازها نباشد، مسکن به معنای فوق نخواهد بود.

پرسش پژوهش

از آن جا که نخستین حضور انسان در معماری، در فضای سکونتی است و این فضا هنوز هم بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین بستر تحقق این زندگی است، یافتن عواملی که کیفیت محیط را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند و نهایتاً موجب رضایت ساکنان از محل زندگی خود می‌شوند و فضای خاطره‌انگیزی را برای ساکنان خود رقم می‌زنند، از پرسش‌های اولیه این پژوهش است. در بررسی خانه‌ها مسائل مختلفی مطرح می‌شود که از آن میان مسأله «خلوت» و فضاهایی که می‌توانند در تحقق آن نقش بیابند و به نوعی در تأمین آن در خانه کمک نمایند - به عنوان یکی از مسائلی که کم‌تر بدان پرداخته شده - مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است. از این رو، این مقاله بحث خود را در پاسخ به این پرسش‌ها طرح می‌نماید که «خلوت چیست، چگونه در معماری خانه‌های ایرانی ظهور می‌یابد و ساکنان این خانه‌ها چگونه به آن پاسخ می‌دهند؟»

محدوده پژوهش

در بررسی موضوع این پژوهش، خانه‌هایی از بافت محله‌های شهشهان، علی‌قلی آقا و پشت مسجد شیخ لطف‌الله (محله باقلافروش‌ها) در اصفهان دوره پهلوی اول، به عنوان نمونه انتخاب شدند که مصادیق مربوط به آن را دربر دارند.

کنند. از این رو، لازم است از نظر محتوا و ساختار، مورد بررسی قرار گیرند. منظور از محتوای کلام، جوهر ارتباط کلامی یا در واقع «چیزی» است که بر زبان می‌آید.

ب) رفتار فراکلامی (بلندی لحن، زیر و بمی و آهنگ صدا) رفتار غیر کلامی یا فراکلامی، استفاده از اعضا و حالات بدن برای برقراری ارتباط است؛ مانند طرز قرار گرفتن دست و پا، حالات بدن و حرکات سر یا رفتارهای خاص یا استفاده از قسمت‌های خاصی از بدن. ابعاد ساختاری رفتار کلامی همان چیزی است که ویژگی فرا کلامی، فرا زبانی یا زبانی سخن نامیده می‌شود که شامل: اسلوب زبان، تلفظ و لهجه، انتخاب و تنوع واژگان، پویایی صدا، آهنگ کلام، ویژگی‌های زمانی و بازده یا برون داد کلامی، کیفیت صدا و تولید آوا است.

ج) رفتارهای مرتبط با محیط، مثل فاصله‌گیری شخصی (فاصله بین فرد از دیگران)

این رفتار به جنبه‌هایی از محیط که به فرد نزدیک‌تر است (مثل پوشاک و زیورات) و فضای شخصی (حبابی فرضی در پیرامون فرد که تعدی دیگران به آن باعث تنش و ناراحتی او می‌شود) و ابعاد دورتر و گسترده‌تر محیط (مثل قلمرو و اشیای مورد علاقه) می‌پردازد.

د) کنش‌های فرهنگی

نیاز به خلوت، به میزان زیادی به فرهنگ ارتباط دارد و طراحی محله، ساختمان‌ها و نظارت بر خلوت سه هدف مهم را برآورده می‌سازد:

الف. رابطه فرد یا گروه با جامعه،

ب. وجوه مشترک فرد و جامعه،

ج. هویت فردی و یگانگی با خود.

سازوکارهای جداسازی فرد از دیگران - یا به عبارت دیگر نظارت بر مرزهای بین افراد برای دست‌یابی به سطح مطلوب خلوت - جهان‌شمول است و در تمامی جوامع وجود دارد. ممکن است برخی از فرهنگ‌ها به مقوله فرهنگ توجه اندکی داشته باشند، اما این امر احتمالاً معلول نگرش سنتی آنان به مقوله خلوت است که آن را فقط فرآیندی مربوط به محیط فیزیکی می‌دانند، نه یک نظام پیچیده رفتاری با کارکردهای بسیار (آلتمن، ۱۳۸۲: ۵۴-۳۷). به این ترتیب نشان داده می‌شود که درک کامل ضابطه خلوت مستلزم شناختن عملکرد سطوح مختلف رفتاری است که در خدمت ایجاد این ضابطه هستند.

۲-۱. سطوح رفتاری مرتبط با مفهوم خلوت، نظامی یکپارچه را تشکیل می‌دهد که گاهی جای یکدیگر را می‌گیرند (مثل وقتی که فرد به جای «بله» گفتن سرش را به تأیید تکان می‌دهد)؛ گاهی یکدیگر را تشدید می‌کنند (مثل وقتی که فرد علاوه بر «نه» گفتن سرش را هم به نفی تکان می‌دهد و در را به هم می‌کوبد)؛ و گاهی یکدیگر را تلطیف و تعدیل می‌کنند (مثل وقتی که پس از بیکار کردن کسی حضوراً از او عذرخواهی می‌شود). بنابراین رفتارها هم‌چون سازه‌های ارکستری هستند که در کنار هم نظامی پیچیده و تأثیری واحد ایجاد می‌کنند.

۳-۱. نظام ضابطه خلوت نظامی پویا و متغیر است. ترکیب خاص رفتارهای کلامی و غیر کلامی و محیطی به هیچ وجه ثابت

و راکد نیست. با تغییر شرایط، الگو و ترکیب رفتارها نیز تغییر می‌کند. بنابراین بهتر است روابط محیط و رفتار را در چشم‌اندازی بلند مدت و پویا ترسیم کنیم تا بتوانیم رشد و تغییر آن‌ها را در طول زمان مشاهده و بررسی کنیم.

۴-۱. دیدگاه نظام اجتماعی، روابط محیط و رفتار را از دو جنبه مورد نظر قرار می‌دهد. در رویکردی سنتی، محیط مجموعه‌ای از عوامل معرفی می‌شود که با رفتار رابطه عالی دارد؛ یعنی محیط در فرد تأثیر می‌گذارد و باعث رفتارهای گوناگون او می‌شود. این نظریه بی‌شک در مواردی که شکل یا قالب محیطی خاصی، مثل شهرک‌های بسته، در رفتار اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد درست است. اما می‌توان محیط را پیامد رفتار فرد یا گروه دانست؛ مثلاً وقتی افراد با تعیین و به کارگیری مناطق و اشیایی مشخص یا نزدیک شدن و دور شدن از یکدیگر قلمرو خود را تعیین و تثبیت می‌کنند. بنابراین در این جامع محیط را از دیدگاهی دو جانبه بررسی می‌کنیم؛ هم آن را مشخصه‌ای سبب‌ساز رفتار به شمار می‌آوریم و هم پیامد و معلول رفتار (همان: ۶-۷).

۲. رویکردهایی به مطالعه تعامل اجتماعی

۱-۲. رویکرد جامعه‌شناختی کلان

ایده زبربنایی آن جبرگرایی اجتماعی است. در این دیدگاه نظام‌های اجتماعی و هنجارها به طریق علی نحوه رفتار افراد را تعیین می‌کنند. عواملی چون طبقه اجتماعی، نژاد، درآمد یا نظام سیاسی حاکم همگی بر رفتارهای تعاملی ما تأثیر می‌نهند.

۲-۲. دیدگاه فردی (رویکرد روان‌شناختی)

در این دیدگاه عواملی چون تربیت، هوش، ظاهر جسمانی، نگرش‌های فردی یا مهارت‌های ارتباطی در نحوه تعامل مردم با یکدیگر نقش مهمی ایفا می‌کنند.

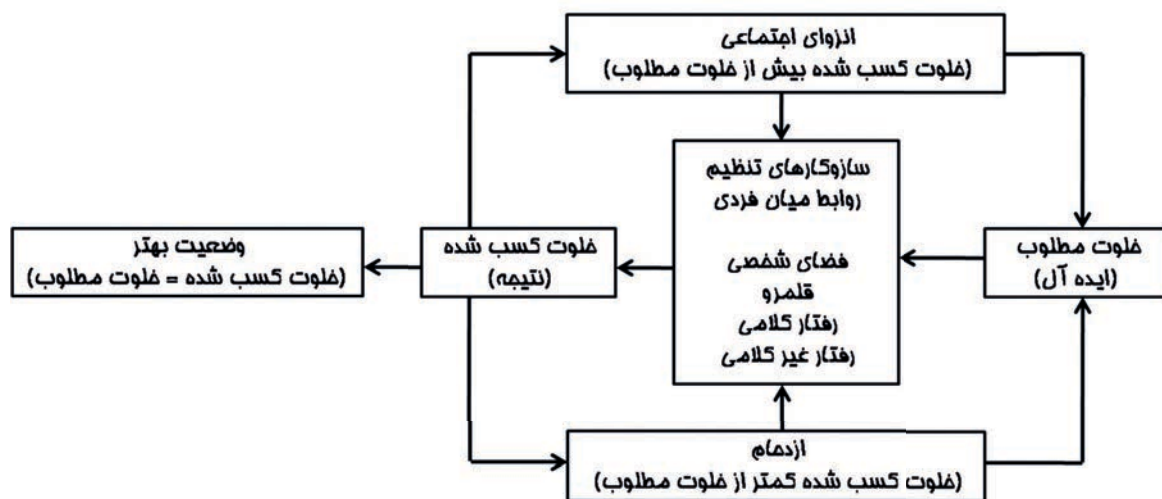
۳-۲. بررسی فرآیندهای تعاملی در سطح خودشان

سیستم‌های اجتماعی وسیع‌تر و شخصیت‌های منفرد، در واقع خود مخلوق جریان تعامل اجتماعی هستند. نتیجه هر تعامل جدید این خواهد بود که درباره طرق صحیح رفتار در آن وضعیت، دانش و انتظاراتی را پی‌ریزی می‌کنیم (فرگاس، ۱۹۴۷: ۲۶).

۳. مفاهیم و عوامل روانی مؤثر در رفتار اجتماعی

در باره تعامل اجتماعی مفاهیمی مورد بحث قرار می‌گیرد که عبارتند از: خلوت، قلمرو، حریم، فضای شخصی، تراکم و ازدحام. این عوامل در تحلیلی اجتماعی و روان‌شناختی، در نحوه تعامل رو در روی افراد و تأثیر محیط فیزیکی بر این تعامل و نیز نحوه بهره‌برداری افراد از محیط برای برقراری اجتماعی تأثیر گذارند.^۳

خلوت^۴، فضای شخصی^۵، ازدحام^۶ و رفتار قلمروپایی^۷ ادراک راحتی و کیفیت محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نیاز به خلوت، فضای شخصی و قلمروپایی در انسان عمومیت دارد و به ارضای نیازهای دیگری چون امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس ربط دارد. مفاهیم خلوت، قلمروپایی و فضای شخصی با هم ارتباط نزدیکی دارند. «ایروین آلتمن» مدلی مفهومی را پیشنهاد کرده که در آن فضای شخصی و قلمروپایی سازوکارهای اصلی دست یافتن به خلوت قلمداد شده‌اند (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: مروری بر روابط میان خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام (آلتنمن ۱۳۸۲، ۱۰)

۳-۱. خلوت

مفهوم «خلوت» در چندین رشته از علوم انسانی و از جمله در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و معماری به کار رفته و بررسی شده است. «خلوت» فرآیند نظارت بر مرز خود/دیگری است. «خلوت» توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و پویایی با دیگران است. «امس راپاپورت»^۸ خلوت را «توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد»، تعریف کرده است.^۹ (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۶۵). بنابراین خلوت از جهت رابطه بین فرد و گروه و مابقی جامعه قابل اهمیت است. فرد و همین‌طور گروه، گاه نیاز به «با دیگران بودن» دارد و گاه نیاز به «جدا بودن از دیگران». برخلاف انتظار، تحقیقات نشان می‌دهد که در افراد برون‌گرا نسبت به افراد درون‌گرا نیاز به خلوت بیشتر است (پیشین: ۱۷۶). علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، تفاوت در نیاز به خلوت تا حدودی به نگرش

گروه‌های اجتماعی و نقشی که مردم در جامعه و پایگاه اقتصادی-اجتماعی خود ایفا می‌کنند، باز می‌گردد. نگرش افراد به خلوت، بخشی از فرآیند اجتماعی شدن آن‌هاست و ارزشی قابل آموختن است؛ وقتی افراد بزرگ‌تر می‌شوند، به خلوت بیشتر نیاز دارند و بیشتر تر از نشانه‌های خلوت استفاده می‌کنند.^{۱۰} در واقع، کودکان در سنین رشد، هنگام گفت‌وگو با کودکان هم سن خود، نسبت به بچه‌های بزرگ‌تر، فاصله فیزیکی کم‌تری را رعایت می‌کنند.

تأمین خلوت مطلوب برای ساکنان هر خانه و همسایگان، در روابط اجتماعی فی‌مابین، افزایش تعاملات اجتماعی در فضا را نشان می‌دهد. تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، حاکی از نیمه خصوصی و عمومی در مسکن ایرانی و ارتباطات همسایگی، افزایش تعاملات اجتماعی بوده است. تعدادی از تعاریف مفهوم خلوت از برخی نظریه‌پردازان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: تعاریف از مفهوم خلوت از دید نظریه‌پردازان

| تعاریف از مفهوم خلوت | نظریه‌پردازان |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|
| چیزی غیر از گوشه‌گیری از جمع و تمایل به انزوا | اسوارتس ^{۱۱} |
| کنترل محرک‌های دریافتی از دیگران، میزان اطلاعات و فاصله افراد از یکدیگر | زیمل، ۱۹۵۰ |
| ارزش تنها ماندن و آسودگی از فشار حضور دیگران | چاپین، ۱۹۵۱ |
| «... این احساس فرد که دیگران باید از آنچه برای او مهم است جدا و دور باشند، و در ضمن اذعان به اینکه دیگران نیز حقی از آن چیز دارند ...» | بیتنس، ۱۹۶۴ |
| «... نتیجه تمایل فرد به پنهان نگاه داشتن تجربیات گذشته و زمان حال خود و اهدافش برای آینده ... تمایل به معما بودن برای دیگران، یا حالتی که بیشتر معمول است، تمایل به کنترل نظر و باور دیگران در مورد خود ...» | ژورار، ۱۹۶۶ |
| رسیدن و آزادی انتخاب و تعیین اهداف لازم برای نظارت بر اینکه در مورد خود چه اطلاعاتی را انتقال دهیم. | ایتلسون، پروشانسکی، ریولین، ۱۹۷۰ |
| «... توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به رابطه مطلوب ...» | راپاپورت، ۱۹۷۲ |
| دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران. | آلتنمن، ۲۰۰۱ |

مأخذ: آلتنمن، ۱۳۸۲: ۲۲

منتخب، آزادی برای بی نام ماندن در بین دیگران و آزادی برای محفوظ بودن از طریق مضایقه اطلاعات درباره خود (فرگاس، ۱۹۴۷: ۳۶۷) (جدول شماره ۲).

از نظر فرگاس خلوت، مفهوم نسبتاً پیچیده‌ای است. این کلمه حداقل به چهار معنای متفاوت به کار می‌رود. آزادی در انتخاب انزوا، آزادی در داشتن صمیمیتی بدون مزاحمت بین خود و افراد

جدول شماره ۲: چهار نوع خلوت و مقصد از نظر وستین

| | |
|-----------------------------------------|--------------------------------------------------------------|
| انزوا | آزاد بودن از مشاهده شدن توسط دیگران |
| قرابت | معاشرت با فردی دیگر و رها بودن از محیط خارج |
| گمنامی | ناشناخته بودن در میان جمع |
| مدارا | به کارگرفتن موانع روان‌شناختی برای کنترل مزاحمت‌های ناشناخته |
| مقاصد تأمین شده توسط خلوت از نظر وستین | |
| استقلال فردی را تأمین می‌کند. | |
| هیجان‌ها را تخفیف می‌دهد. | |
| به خود ارزیابی کمک میکند. | |
| ارتباطات را محدود و از آن محافظت میکند. | |

مأخذ: آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۳

جدول شماره ۳: خلوت و عملکردهای آن از دیدگاه وستین و آلتمن

| عملکردهای مختلف خلوت از دیدگاه وستین | استقلال فردی | تخلیه عاطفی | خودسنجی | حفاظت و کنترل ارتباطات به منظور ارتباطات محدود |
|--------------------------------------|------------------------------------------------------|---------------------------|-----------------------|------------------------------------------------|
| عملکردهای مختلف خلوت از دیدگاه آلتمن | توانایی فرد در تعیین محدودیت‌ها و مرزهای پیرامون فرد | نظارت بر کنش متقابل افراد | خویش‌نگری و هویت فردی | |

مأخذ: آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۲

جدول شماره ۴: جنبه‌های مختلف خلوت از دیدگاه آلتمن

| | | | |
|-------------------------------------|----------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------|
| جنبه‌های مختلف خلوت از دیدگاه آلتمن | فرآیند بین فرد با فرد، فرد با گروه، گروه با فرد و گروه با گروه | فرآیند تنظیم مرز میان افراد و تعیین میزان رابطه با دیگران ^{۱۳} | فرآیندی دیالکتیک که به برآیند نیروهای مخالف و متضاد منتهی می‌شود ^{۱۴} |
|-------------------------------------|----------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------|

مأخذ: آلتمن، ۱۳۸۲: ۳۶-۲۷

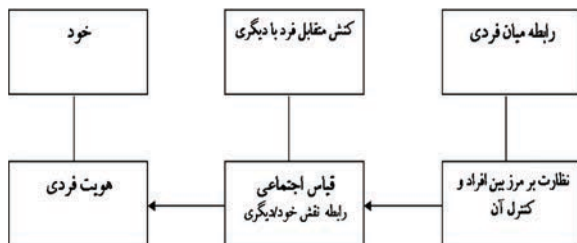
۲-۳. کارکردهای خلوت

کارکردهای خلوت عبارت است از:

۱. کارکردهای میان فردی: این کارکرد بیش‌تر در خدمت تأمین هدف اساسی خلوت یعنی هویت فردی است. هویت فردی تا اندازه‌ای متکی است بر توانایی فرد در تعیین و تعریف محدودیت‌ها و مرزهای پیرامون خود. توانایی یا شکست در نظارت بر مرز میان خود و دیگری از عوامل مهم رسیدن به هویت فردی است.
۲. کنش متقابل فرد با دیگران: این مقوله در تعیین راهبردها و برنامه‌های فرد برای رابطه با دیگران و همین‌طور ارزیابی فرد در مناسبت با دیگران نقشی قابل توجه و مهم دارد. یکی از نمونه‌های کنش متقابل فرد با دیگران در ارتباط‌های حرفه‌ای افراد متجلی می‌شود. مقامات بالا غالباً این حق را دارند که به خلوت دیگران تجاوز کنند، اما عکس این امر صادق نیست. سازوکارهای خلوت نه تنها به فرد کمک می‌کند بر کنش متقابل خود با دیگران نظارت داشته باشد، بلکه باعث گسترش روابط با دیگران و طرح برنامه و نقشه در ارتباط با دیگران می‌شود.
۳. هویت فردی: این کارکرد خلوت ریشه‌ای عمیق در نهاد فرد دارد و دست کم دو جنبه دارد: خویش‌نگری و هویت فردی. خویش‌نگری مستلزم فرصتی است که افراد یا

گروه‌ها به خود نگاهی بیندازند و خود را توصیف و ارزیابی کنند و این کار معمولاً در حضور غیر انجام نمی‌گیرد.

خویش‌نگری قدمی است به سوی خود ارزشی و هویت فردی. هویت فردی عبارت است از درک روانی و عاطفی فرد یا گروه از خود و نیز درک این که کدام یک از جنبه‌های دنیای مادی، بخشی از خود اوست و کدام یک بخشی از دیگران. هویت فردی، درک فرد است از توانایی‌ها، محدودیت‌ها، ضعف‌ها، احساس‌ها، عواطف و باورهای خود این درک و به فرد کمک می‌کند تا خود را ارزیابی نماید که آیا به حال خود و دیگران مفید است یا خیر (آلتمن، ۱۳۸۲: ۶۰-۵۳) (نمودار شماره ۲).

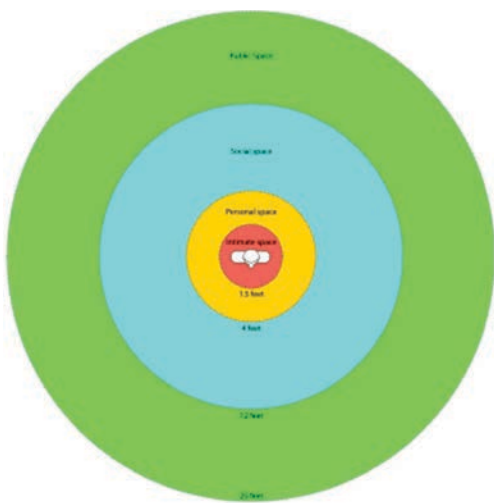


نمودار شماره ۲: کارکردهای خلوت و سازوکارهای نظارت بر خلوت
مأخذ: آلتمن، ۱۳۸۲: ۵۰

۳-۳. فضای شخصی در مناسبت با خلوت

فضای شخصی سازوکاری است که از آن برای نظارت بر تعامل میان فردی و دستیابی به خلوت مطلوب استفاده می‌شود. فضای

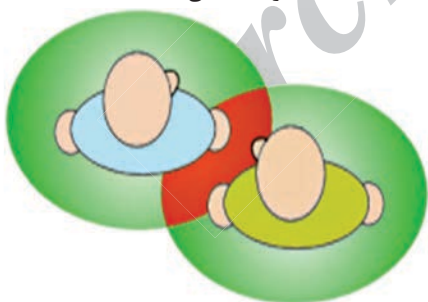
به عنوان قلمرو تعیین شده گفته می‌شود. اگر شخص دیگری وارد این فضا شود، فرد احساس مزاحمت می‌کند و عدم رضایت خود را نشان می‌دهد. حتی اگر علائم بیرونی عدم رضایت پنهان بماند، در مقابل مزاحمت‌ها واکنش‌هایی نشان می‌دهد (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۶۷) (تصویر شماره ۲، ۳ و ۴).



تصویر شماره ۲: فضای شخصی، ادوارد هال



تصویر شماره ۳: این دو نفر به فضای شخصی هم وارد نشده‌اند و ایجاد مزاحمت نمی‌کنند.



تصویر شماره ۴: این دو نفر به فضای شخصی هم وارد شده‌اند و ایجاد مزاحمت می‌کنند. مأخذ: گیفورد، ۱۳۷۸: ۵۴

بسیاری از پژوهش‌های مربوط به روابط بین افراد حاکی از آن است که:

۱. وجود رابطه مثبت بین افراد به کم شدن فاصله یا کوچک شدن محدوده فضای شخصی بین آن‌ها منجر می‌شود.
۲. افرادی که نزدیک هم قرار می‌گیرند، افرادی هستند که رابطه‌ای مطلوب با هم دارند.^{۱۴}

شخصی را غالباً به فاصله فیزیکی فرد با دیگران تعبیر می‌کنند. هال، تأکید کرده است که خود فاصله مهم نیست؛ نشانه‌های ارتباطی قابل دست‌یابی در فواصل گوناگون است که در مفهوم فضای شخصی اهمیت پیدا می‌کند. در واقع فضای شخصی محیطی است که در آن درجات و شکل‌های گوناگون تماس اجتماعی امکان پیدا می‌کند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۶-۶۵) (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: حباب‌های نامرئی احاطه‌کننده اطراف انسان و تعریف‌کننده فضای شخصی در نظریه همجواری هال

مأخذ: هال، ۱۳۷۶: ۱۴۸

منظور از فضای شخصی «هاله‌ای نامرئی» است.^{۱۵} تجاوز دیگران به این فضا یا حریم باعث ناراحتی یا نگرانی فرد می‌شود. همه انسان‌ها با توجه به نسبت نزدیکی خود با شخص مقابل و یا مقام او، این فاصله را رعایت می‌کنند. حباب‌های نامرئی احاطه‌کننده اطراف هر انسان و تعریف‌کننده فضای شخصی، فرآیندی دیالکتیکی و متغیر است (هال، ۱۳۷۶: ۱۴۸).

هال اصطلاح هم‌جواری را در نحوه استفاده انسان از فضا برای توضیح و بررسی فرهنگ به کار می‌برد و نتیجه می‌گیرد که نحوه هم‌جواری انسان‌ها در فضا و مکان بخشی از فرهنگ است. او مهم‌ترین بحث فضای انسان‌ساخت را ایجاد هم‌جواری مناسب با هویت فرهنگی می‌داند که باعث جلوگیری از تجاوز، ازدحام و استرس در انسان‌ها می‌شود. او معتقد است، رشد بیش از حد طبیعی خواسته‌های انسان بُعد جدیدی را با عنوان بعد فرهنگی به وجود آورده است (پیشین: ۲۲۲).

فضای شخصی به مثابه یکی از سازوکارهای تنظیم مرز میان خود و دیگری احتمالاً در روابط اجتماعی مختلف شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. فرد یا گروه وقتی مایل به تعامل با دیگری است خود را بیشتر در دسترس می‌گذارد و وقتی به تعامل با کسی تمایلی نداشته باشد، از او دوری می‌کند.

رابرت سامر تعریف ساده‌ای از فضای شخصی پیشنهاد می‌کند: «فضای شخصی ناحیه‌ای است با پیوندهای نامرئی که بدن شخص را احاطه کرده‌اند تا امکان ورود عنصری مزاحم وجود نداشته باشد (گیفورد، ۱۳۷۸: ۵۴).»

«فضای شخصی» نباید با «فضای شخصی‌شده» اشتباه شود. اولی به فاصله‌ای گفته می‌شود که حیوانات هم‌گونه، به جز در مواردی که تماس‌های خصوصی بین آن‌ها جریان دارد، بین خود رعایت می‌کنند، و دومی به محدوده‌ای از محیط طبیعی یا مصنوع

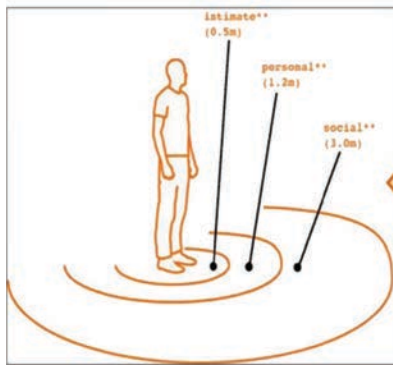
۳-۴. فواصل مختلف در ارتباط با تعامل افراد

تا همین اواخر فکر می‌شد که نیازهای فضایی انسان به اندازه‌ی هوای جابه‌جا شده توسط بدنش است. این حقیقت که انسان در اطراف خود فضاهایی به عنوان نشانه‌هایی از شخصیت‌اش دارد، عموماً نادیده گرفته شده بود.

در این بین افرادی چون «دوارد هال» در یک طبقه‌بندی چهار مرحله‌ای، فواصل اصلی اجتماعی را بر شکل تعامل افراد از

جدول شماره ۵: فواصل مربوط به فضای شخصی

| فاصله - رسمی | فاصله - اجتماعی | فاصله - شخصی | فاصله - صمیمی |
|------------------------|------------------------|-----------------------|---------------------|
| از ۳۶۶ تا ۷۶۲ سانتیمتر | از ۱۲۲ تا ۳۶۶ سانتیمتر | از ۵۵ تا ۱۲۲ سانتیمتر | از ۰ تا ۵۵ سانتیمتر |



تصویر شماره ۵: چهار نوع قلمرو فضایی شخصی

افراد است. فاصله عمومی معمول مختص چهره‌های برجسته و دولتی نیست، بلکه هر کس در صحنه‌های عمومی می‌تواند آن را به کار گیرد و باید با تعدیل‌های ویژه‌ای صورت بگیرد (پیشین: ۱۴۸ - ۱۴۱).

نتیجه: بنابراین طراحی کالبدی مناسب برای فضاهای داخلی هر مسکن ایرانی و ارتباطات فضایی مناسب این مسکن با مسکن هم‌جوار و فضای باز خصوصی، دیوار مشترک، ارتفاع، تراکم جمعیتی و صدا، به نحوی که فضای شخصی مطلوب منطبق بر فرهنگ و روان‌شناسی شخصیتی فردی ساکنان را فراهم نمایند، باعث افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنان می‌گردد.

۳-۵. قلمرو (حریم) در مناسبت با خلوت

نقش قلمروها، تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام‌های اجتماعی و تأمین‌کننده خلوت است. قلمروهای اولیه مثل فضاهای خصوصی (خانه) به راحتی قابل تشخیص است، ولی تشخیص قلمروهای ثانویه مثل فضاهای عمومی و مشترک، گاه دشوار است. رفتار قلمروپایی سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی یا نشانه‌گذاری مکان یا شیء مورد نظر و تعلق آن به فرد یا گروه بیان می‌شود. رفتارشناسان حیوانات^{۱۷} اولین کسانی بودند که رفتار قلمروپایی حیوانات را مطالعه و ثبت کردند. مطالعه قلمروپایی در رفتار انسان جدیدتر است. لئون پاستالان راجع به قلمرو مکانی انسان تعریف زیر را ارائه کرده است: قلمرو مکانی فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می‌آید (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

طراح می‌تواند با دست زدن به ابداعات و ابتکاراتی تعریف این قلمروها را وضوح ببخشد و با این کار از بروز مشکلات جلوگیری نماید.

فاصله صمیمی

در فاصله صمیمی، حضور شخص دیگر تردیدناپذیر بوده و ممکن است به دلیل غلبه داده‌های حسی به دفعات ناراحت‌کننده باشند. بینایی اغلب، بویایی، گرمای بدن شخص دیگر، صدا، بو و احساس نفس شخص دیگر همگی علامت تماس و برخورد با شخص دیگر است (هال، ۱۳۷۶: ۱۴۰).

فاصله شخصی

فاصله شخصی اصطلاحی است که توسط هایدگر برای فضاسازی عادی در بین حیوانات غیرتماسی برای حفظ آن بین خود و اطرافیان به کار گرفته شده است. این فاصله به صورت حبابی نامرئی، پیرامون موجود زنده را احاطه می‌کند. خارج از این حباب، برای دو موجود زنده بدان گونه که هنگام تلاقی دو حباب با هم درگیر می‌شوند، برخوردی اتفاق نمی‌افتد. سازماندهی اجتماعی عاملی در تعیین فاصله شخصی است.

فاصله اجتماعی

فاصله اجتماعی صرفاً فاصله‌ای نیست که در آن هر حیوان تماس خود را با گروه خود از دست می‌دهد بلکه فاصله‌ای است که حیوان دیگر در آن فاصله نمی‌تواند دیگر اعضای گروه را ببیند، صدای آن‌ها را بشنود و یا بوی آن‌ها را استشمام کند و ترجیحاً فاصله‌ای روان‌شناختی است که در آن، ظاهراً در حیوان احساس اضطراب آغاز می‌گردد. خط مرزی بین فاصله شخصی در حالت دور و حالت نزدیک در فاصله اجتماعی، «حد تسلط» را مشخص می‌کند. جزئیات معنی‌دار بصری از صورت قابل مشاهده نیست و نمی‌توان انتظار تماس با فرد دیگری را در این فاصله داشت مگر با کوشش زیاد.

فاصله عمومی

تغییرات حسی متعدده مهمی در انتقال از فواصل شخصی، اجتماعی به فاصله عمومی پدید می‌آید که به طور کامل خارج از دایره برخورد

حسین الشرکاو^{۱۸} در رساله دکترای خود در دانشگاه پینسیلوانیا تحت عنوان « قلمرو گرایسی » طراحی مدلی را که به طور مستقیم به طراحی محیط ربط داشته باشد، در چهارگونه قلمرو مکانی شامل قلمرو پیوسته (شخصی)، مرکزی (خصوصی)، حامی (نیمه خصوصی یا نیمه عمومی) و پیرامونی (عمومی) تعریف کرده است.^{۱۹}

قلمرو پیوسته «حباب فضایی» متعلق به فرد است. قلمروهای مرکزی مکان‌هایی چون خانه، اتاق دانشجو، فضای کار شخصی هستند که به شدت شخصی می‌شوند، مگر این که در مقابل شخصی‌سازی آن‌ها مانعی وجود داشته باشد. افراد از این مکان‌ها به شدت محافظت می‌کنند.

اسکار نیومن این مکان‌ها را فضای خصوصی نامیده است. قلمروهای حامی، نیمه خصوصی یا نیمه عمومی هستند. نوع اول فضاهایی چون نشیمن عمومی خوابگاه‌ها، استخر شنای مجموعه‌های مسکونی، یا محوطه‌های باز با مالکیت خصوصی مثل ایوان جلویی خانه‌ها را شامل می‌شود. نوع دوم فضاهایی چون مغازه‌های محلی و پیاده‌روی جلوی خانه‌ها را دربر می‌گیرد. بر فضاهای نیمه خصوصی مالکیت وجود دارد، در حالی که استفاده‌کنندگان فضاهای نیمه عمومی مالک آن نیستند، ولی به نوعی آن را متعلق به خود می‌دانند. قلمروهای پیرامونی همان فضاهای عمومی هستند. این قلمروها مکان‌هایی هستند که مورد استفاده افراد و گروه‌ها هستند، ولی کسی مالک آنها نیست. باید به این نکته توجه داشت که این ادراکات در فرهنگ‌های مختلف تفاوت دارند (پیشین: ۱۷۰).

کنترل قلمرو مکانی در طراحی معماری اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بعضی از نیازهای اساسی انسان‌های استفاده‌کننده از فضای معماری از قبیل هویت، انگیزش، امنیت و خلوت، از این طریق قابل ارضا هستند.^{۲۰}

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که رفتار قلمروی در تنظیم تعامل اجتماعی، رفع تنش‌های زندگی، تعیین نقش افراد و تأمین خلوت نقش مهمی دارد. برقراری تعادل میان حریم خصوصی در بینش و درک انزوا، گوشه‌نشینی یا صمیمیت و هم‌ارزی و اجتماع (ارتباط با همسایه‌ها) در طرح هر خانه می‌تواند مشکل باشد. معمار باید بر مبنای روابط متقابل اجتماعی، به وجود آوردن فرصت‌های لازم را هدف طراحی قرار دهد و به این ترتیب امکان استفاده از سودمندی‌های تعامل اجتماعی را برای مردم فراهم آورد.

هم‌چنین، نوع و میزان خلوت مطلوب به الگوی جاری فعالیت‌ها، زمینه فرهنگی و شخصیت و انتظارات فردی وابسته است. نشانه‌گذاری‌های نمادین و واقعی برای تعیین قلمرو مکانی و فاصله‌ها، همگی روش‌هایی برای تأمین خلوت هستند که تا حدودی تحت کنترل طراحان محیط هستند.

۳-۶. ازدحام (تراکم)

مفهوم ازدحام و مفهوم وابسته به آن یعنی انزوای اجتماعی، نتیجه شکست فرد در دستیابی به سطح مطلوب خلوت است. ازدحام به دلیل ربط مستقیم به «فشار اجتماعی» موجب رفتارهای منفی می‌شود.^{۲۱}

درک مفهوم ازدحام مستلزم روشن شدن ابعاد و پذیرش پیچیدگی آن است. ازدحام فرآیندی میان فردی است که حتی در مورد جفت‌ها و گروه‌های کوچک نیز، که افراد با یکدیگر رابطه متقابل دارند، رخ می‌دهد (پیشین: ۱۸۲).

در این میان، تراکم به خودی خود شاخصی بیش از جمعیت در واحد سطح نیست. بنابراین، باید با احتیاط بیش‌تری با این نتیجه که تقلیل تراکم جمعیتی در مناطق مسکونی به طور خود به خود کیفیت زندگی را بالا می‌برد، برخورد کرد. هم مناطق کم تراکم و هم مناطق پر تراکم می‌توانند دلپذیر باشند. تراکم، شرط لازم احساس ازدحام است، اما شرط کافی آن نیست. به بیان دیگر، افزایش تعداد افراد در واحد فضا از شرایط مهم احساس ازدحام است، اما همیشه لزوماً به ایجاد این احساس منجر نمی‌شود. برای مثال، فرد می‌تواند با گروهی از دوستانش باشد و احساس ازدحام نکند، اما ممکن است با همان تعداد افراد غریبه باشد و احساس کند اطرافش شلوغ یا پر ازدحام است. بنابراین وقتی شرایط دیگر - هم‌چون اندازه و شکل فضا، سر و صدا، و مانند این‌ها - با تراکم زیاد جمع می‌شود، احساس ازدحام پدید می‌آورد.

یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر تعامل اجتماعی، صرفاً تعداد افراد موجود برای تماس در محدوده فضایی مورد نظر تعریف شده است. مجاورت فضایی یکی از عمده‌ترین تعیین‌کننده‌های روابط آتی ما است. اما، حضور عده‌ای زیاد در فضایی بسیار کوچک می‌تواند منجر به درک روان‌شناختی ازدحام شود. بسته به مبنای مقایسه، تفاوت‌های فاحشی در آن‌چه که مردم ازدحام می‌دانند مشاهده می‌شود. شخصی اهل شهری کوچک با ۵۰۰ سکنه شاید سیدنی را فوق‌العاده پر ازدحام بداند؛ حومه‌نشینان سیدنی اغلب نیویورک را به شکلی غیر قابل تحمل مملو از آدم می‌دانند و نیویورکی‌هایی که به هنگ کنگ می‌روند، واکنش مشابهی دارند. واکنش انسان‌ها به ازدحام از برانگیختگی تا واکنش‌های آسیب‌شناختی قابل تغییر است. ولی از آن‌جا که مردم ساکنان محیط‌های پر ازدحام معمولاً دچار ناتوانی‌های دیگری از قبیل درآمد کم، تحصیلات کم و خانه‌هایی با کیفیت بد هستند، واکنش‌های منفی نمی‌تواند صرفاً معلول ازدحام باشد. وقتی عوامل دیگر کنترل شوند ظاهراً ازدحام هیچ پیامد منفی در بر ندارد (فرگاس، ۱۳۷۳: ۳۶۷).

تراکم به انواع تراکم اجتماعی^{۲۲} و تراکم فضایی^{۲۳}، تراکم درونی و بیرونی^{۲۴} قابل تقسیم است (مرتضوی، ۱۳۸۰).

علت نامطبوع بودن احساس ازدحام کاهش «کنترل شخصی» است. دسور^{۲۵} نشان داده است که چگونه دیوارها و تیغه‌ها، جای درها و دیگر ویژگی‌های معماری ساختمان، می‌تواند احساس ازدحام را تغییر دهد و این‌که فضا هر چه بیش‌تر انعطاف داشته باشد فرد کم‌تر احساس ازدحام می‌کند (آلمن، ۱۳۸۲: ۱۹۳).

نتیجه آن‌که باید محیط‌هایی تأثیرپذیر طراحی گردد، که انتقال از حالت تفکیکی به حالت با هم بودن را میسر سازد. به بیان دیگر با توجه به آن‌که خلوت فرآیندی دیالکتیکی و متغیر است، باید به افراد، محیط‌هایی ارائه شود که با تمایلات متغیر آن‌ها به تماس داشتن یا نداشتن با دیگران سازگار باشد. بنابر این طراحان محیطی یا معماران و شهرسازان باید به خلق محیط‌هایی بپردازند که نظارت بر تماس با دیگران را به درجات مختلف میسر می‌کند.

۴. «خلوت» در حوزه فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی درباره «خلوت» غیر از تعابیری که تا کنون در نسبت میان فرد با انسان‌های دیگر بیان شد، نسبت‌های دیگری نیز مطرح است: نسبت فرد با خود و نسبت فرد با خدا. خلوت‌جویی یا خلوت‌گزینی اگر در مباحث مربوط به خلوت، گاه مورد تأیید و گاه مردود شناخته شده است ناظر به اهدافی بوده است که در حوزه شخصی یا اجتماعی معنا می‌شده است، حال آن‌که در فرهنگ اسلامی با توجه به اهمیت و در نظر گرفتن نسبت فرد با «خود» و «خدا»، بزرگان آن، بویژه عرفا، ضمن تأکید این موضوع در خلوت‌گزینی به جست‌وجوی نوعی رشد فردی بر آمده‌اند. به طور مثال نجم‌الدین رازی از عرفای بزرگ قرون ششم و هفتم بحث مفصلی در این خصوص دارد و برای تحقق صحیح آن شرایطی شمرده است (مرصاد العباد، ۱۳۶۶: ۱۳۴): «بدانکه بنای سلوک راه دین و وصول به مقامات یقین بر خلوت و عزلت است و انقطاع از خلق. و جملگی انبیاء و اولیاء در بدایت حال داد خلوت داده‌اند تا به مقصود رسیده‌اند». وی با تأکید بر چهل روز خلوت‌نشینی اضافه می‌کند: «و نشستن اربعینات را شرایط و آداب بسی است، اما آنچه مهمتر است هشت شرط است که اگر یک شرط از این شرایط به خلل باشد مقصود کلی از خلوت به حصول دشوار پیوندد. و تعیین عدد هشت به هشت بهشت است که بهشت دل را هشت در است، هر شرطی از شرایط خلوت کلید در گشای یک در است، اگر شرطی فروگذارند یک در بسته ماند». در توضیح شرایط مذکور و به عنوان شرط اول می‌نویسد: «اول شرط تنها در خانه خالی نشستن است، روی به قبله آورده مربع، دستها بر ران نهاده، غسل کرده به نیت غسل مرده و خلوتخانه را لحد خویش شمرده و از آنجا جز به وضو و حاجت و نماز بیرون نیاید». چنان که مولوی می‌گوید: «من نخواهم شد از این خلوت برون / زانکه مشغولم به احوال درون»

این معنای از خلوت از سایر عرفان نیز فراوان نقل شده است^{۲۶}. بنابراین عطف به این تعبیر از «خلوت»، دو نسبت دیگر نیز می‌توان به فهرست فوق اضافه کرد: «نسبت شخص با خود» و «نسبت شخص با خدا». از قضا این دو نسبت همواره در فرهنگ اسلامی مستحسن و لازم (مثلاً در عبادات) شناخته شده است.

با توجه به این که مفهوم «خانه» چیزی است که ما را از بیرون به درون خود دعوت می‌کند، آن ظرفی که امکان حرکت بیرون به حرکت درونی را فراهم کند، خانه نامیده می‌شود. اگر در شرایط کنونی به حس خودمان نسبت به خانه مراجعه کنیم، احساس می‌کنیم از آن شَر و شور و آن همه حرکت که در بیرون اتفاق می‌افتد، به خانه پناه می‌بریم و تجدید قوا می‌کنیم. انسان هنگامی که مستقر می‌شود امکان آن را پیدا می‌کند تا به سمت یافتن خویشتن خویش برود. چون هنگامی که انسان مستقر می‌شود از دویدن و توجه به عالم بیرون و عالم حرکت منصرف می‌شود. هنگامی که مستقر می‌شود فرصت این را پیدا می‌کند که متوجه خود شود.

در واقع یافتن حقیقت، نیاز به یک سفر درونی دارد و خانه محل این سفر درونی است. خانه مکانی است که انسان خویشتن و حقیقت خویش را در آن می‌یابد و باید بیابد. هنگامی که انسان در خانه قرار می‌گیرد، باید بتواند همه آن نایافتنی‌های بیرون از خویش را در درون خانه بیابد.

۵. خلوت در معماری

حکومت اتابکان همان طور که اشاره شد برای انسان - بویژه انسان دین‌دار - چهار نوع رابطه وجود دارد: رابطه با خود، رابطه با دیگران، رابطه با طبیعت و رابطه با خدا. از سوی دیگر خانه نیز به عنوان ظرف زندگی انسان، می‌باید تأمین‌کننده این چهار نوع رابطه باشد. خانه باید امکانی فراهم بیاورد که هر انسانی هنگامی که در آن حضور دارد، رابطه درستی با خود برقرار کند و متأسفانه این همان کیفیتی است که امروزه تقریباً تمام خانه‌ها فاقد آن هستند^{۲۷}.

در معماری تمدن اسلامی مشاهده می‌کنیم که به طور خاص در بعضی بناهای اجتماعی مثل مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان‌هایی به این امر اختصاص داده شده است. مکان‌هایی که به «زاویه» یا «گوشه»^{۲۸} یا «خلوت‌خانه»^{۲۹} نیز شهرت دارند که ساکنان الی الله در آن‌ها جای گیر می‌شدند و برای انجام عبادات خویش مثل اعتکاف یا چله‌نشینی به سر می‌برده‌اند.

علی‌رغم کامل نبودن مصادیق در دسترس و در غیبت مساکن دوره‌های قبل از قاجار، اگر چه چنین مکان‌هایی در بناهای مسکونی کاملاً در اختیارمان نیست، ولی می‌توان از بعضی گزارش‌های تاریخی یا حتی مبتنی بر تحلیل این امور عبادی، فضای خاص - یا امکان ایجاد فضای خاص - در گستره خانه را حدس زد یا در نظر گرفت؛ چرا که وقتی در فضاهای پر جنب و جوش اجتماعی برای این امر فضایی در نظر گرفته می‌شود، به علت اولی وجود آن برای فضای مسکونی شخصی نیز می‌تواند توجیهی بیابد، بویژه این که از سایر منابع تاریخی مثل داستان‌ها و روایات استنباط می‌شود که برای عبادت در خانه فضاهایی خاص این امر وجود داشته است. صندوق‌خانه‌ها، پستوخانه‌ها، زاویه‌ها، کنج‌ها و انواع فضاهایی که وجود داشته مصادیق آن فضاها هستند.

خانه‌هایی با این کیفیت این امکان را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا با خویش «خلوت» کند و به مراقبه و محاسبه بپردازد، در خویش تأمل کند، خویشتن و حقیقت خویش را جستجو کند و بیابد و این ممکن نیست جز اینکه فضای مسکونی چه از لحاظ جزء فضا (زاویه یا گوشه، بخصوص در «بالاخانه»ها و یا اتاق گوشوار^{۳۰}، که امروزه برای آن عملکرد مشخصی نمی‌شناسند و گاهی وجود آن‌ها را فقط به ایجاد تناسب یا قرینه‌سازی معمار در بنا نسبت می‌دهند) و چه از لحاظ امکان تحقق آن، اجازه چنین کاری را بدهد.

در این پژوهش، برای یافتن و سپس نشان دادن این فضاها در بناهای تاریخی، به جمع‌آوری مصادیقی از میان خانه‌های دوره پهلوی اول در اصفهان پرداخته شد. البته این مصادیق محدود است و علت محدود بودن تعداد این مصادیق نیز این است که مقرر بود اولاً خانه‌هایی انتخاب شوند که سالم و سرپا باشند و ثانیاً خانه‌ها صاحب ساکنانی باشند که بتوان از نزدیک زندگی جاری را در آن معاینه کرد. مبتنی بر این پیش‌فرض‌ها و پس از جست‌وجوی بسیار - در محدوده زمانی پژوهش - تنها شش مصداق یافت شد که عبارتند از: خانه‌های منتظرالقائم، آذری، بهمین‌پور، علیدوست، طباطبایی و خواجه. در پاسخ ساکنان به این پرسش که برای ایجاد خلوت کدام مکان از خانه را انتخاب می‌کنید، ساکنان پنج خانه «پستو»، «صندوق‌خانه»، «کنج یا خلوت‌خانه» را برای این امر معرفی کردند و تنها خانه بهمین‌پور «ایوان» را بدین منظور معرفی نمود (جدول شماره ۶).

جدول ۷: موقعیت خلوت در نمونه‌های مورد بررسی

| تصویر | پلان مکان خلوت | مکان ایجاب شده خلوت و علل انتخاب آن | خانه های مورد بررسی |
|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|---------------------|
|  |  | اتاق شخصی (وجود کنج) | منتظرالقائم |
|  |  | اتاق شخصی (وجود صندوقخانه) | آذری |
|  |  | ایوان طبقه اول (چشم انداز به مسجد جامع عباسی و مسجد شیخ لطف الله) | بهمن پور |
|  |  | اتاق شخصی (وجود پستو) | علیدوست |
|  |  | اتاق شخصی (وجود کنج) | طباطبانی |
|  |  | خلوت خانه (گوشه / کنج) | خواجه |

خانه مسکونی اولین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرد. طراحی کالبدی مناسب فضاهای داخلی هر مسکن ایرانی و ارتباطات فضایی مناسب این مسکن با مسکن هم‌جوار، بر افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنان اثر مطلوب داشته است؛ خاطرات خوش زندگی در آن مسکن، که حتی تاکنون همراه تجربه‌کنندگان زندگی در آن‌ها هست، از جمله این دلایل است؛ چرا که خاطرات خوش، هم «ناشی از» و هم «همراه با» درک نوعی مطلوبیت است که آن را می‌توان در آرامش ناشی از زندگی در آن مسکن جست‌وجو کرد. آرامشی که نه تنها به عناصر کالبدی مسکن بلکه با فرهنگ جاری در آن‌ها نیز نسبت می‌یابد. بدیهی است نسبت کمی و کیفی مناسب بین وسعت و حجم فضاهای مسکن ایرانی، که می‌تواند ناشی از ازدحام و تراکم متناسب، تعداد افراد یا خانوارهای ساکن در آن و نحوه زندگی در آن دوران باشد، کیفیت این «سکینه» و آرامش را در بعد اجتماعی و با هم بودن و آرامش ناشی از داشتن همراه و هم‌راز (که غیر از کمک مادی، نوعی کمک معنوی به دنبال دارد - غم‌خوار یا یار شش‌وای درد دل‌ها) تعریف می‌نماید. شاید به همین لحاظ است که اثرات کالبدی این مسأله تنوع‌هایی را نشان می‌دهد که اگر چه در مبانی وحدت و اشتراک دارند، مصادیق متعددی را صورت می‌بندند و بدین ترتیب مسکن ایرانی مبتنی بر این اشتراکات «هویت» و مبتنی بر این متغیرات «تنوع» می‌یابند.

هم‌چنین بنا به آموزه‌های دینی تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه خانه مسکونی برای کسب آرامش روحی و معنوی شده است؛ چرا که مهم‌ترین نتیجه آرامش، تلطیف و معنویت فضای خانه، قابلیت تأمین و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و روحی انسان، چون تفکر، حضور و آرامش قلب است که مناسب‌ترین زمینه برای اندیشه، ذکر، یادآوری کلام خدا و ذکر حکمت‌های الهی است که یا خود عبادت هستند و یا مقدمات عبادت در نظر گرفته می‌شوند. در چنین فضاهایی عمده‌ترین عناصر و عوامل کسب این قابلیت‌های ویژه، نوع ترکیب‌بندی ساختاری و تزئینی فضاهای خانه و تعدد و تنوع مکان‌هایی است که دو رابطه خاص این فرهنگ، یعنی خلوت با خود و با خدا، را ممکن می‌سازند؛ روابطی که از دیرباز مورد توجه ساکنان خانه‌ها و به تبع آن‌ها معماران ایرانی بوده است که گاه به صورت عناصر کالبدی، هم‌چون بالا خانه‌ها و یا اتاق‌های گوشوار، برای خلوت شکل می‌گرفته‌اند.

با توجه به مطالب گفته شده، این نتیجه حاصل شد که مفهوم خلوت در اکثر خانه‌ها در پستو، صندوق خانه و خلوت‌خانه (و تنها در یک خانه، ایوان) تعریف می‌شود که باعث تفکر، حضور و آرامش قلب و برآوردن نیازهای معنوی است. این نیز نشانگر آن است که ساکنان مسکن ایرانی علی‌رغم تغییراتی که در معماری دوره‌های اخیر در آن داده شده است، هنوز به مسأله «نیاز به خلوت» می‌اندیشند و حتی اگر هم‌چون گذشته، در مسکن‌شان فضای

ویژه‌ای همچون بالاخانه یا گوشوار تعبیه نشده باشد، از فضاهایی همچون پستو برای پاسخ به آن نیاز بهره می‌گیرند. با این مقدمه، به نظر می‌رسد چندان بی‌وجه نباشد که طراحان معمار مسکن ایرانی، فضاهایی را چه به صورت مستقل و چه به صورت همراه با فضاهای دیگر - که امکان تفکیک داشته باشد - در طراحی فضاهای مسکن لحاظ نمایند.

پی‌نوشت

۱. دکتر مهدی حجت (۱۳۸۷)، مجموعه گفتارهایی درباره خانه، مرکز هنر پژوهی نقش جهان، تهران.
۲. این تأکید به آرامش در خانه به حدی مهم است که در آیات و روایات محیط آرام و مأنوس خانه، مناسب‌ترین محل برای اندیشه، ذکر، یادآوری کلام خدا و ذکر حکمت‌های الهی بیان شده است. چنان که خطاب به رسول گرامی‌اش می‌فرماید: «رفعت و علو حقیقی خاص خداوند متعال است؛ خانه‌ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و مرفوع است؛ «فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه يستج له فيها بالغدو والاصال» (نور: ۳۶) آن چه از این آیه و تفسیر مرحوم علامه طباطبایی (المیزان) استفاده می‌شود، این است که اگر خانه از هر پلیدی و لوثی منزّه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزین شود، رفعت می‌یابد و از یک چهاردیواری سرد و بی‌روح خارج می‌شود و هر چه صبغه الهی و معنویت بیش‌تر شود، مقامی رفیع‌تر می‌یابد که مصداق کامل آن کعبه، خانه خدا است (طباطبایی، ج ۱۵، ۱۳۶۳: ۱۷۹-۱۷۸).

۳. این مفاهیم با گیرنده‌های فاصله، مثل چشم، گوش و بینی مرتبط است که ادوارد هال آن را در کتاب بعد پنهنان فصل ۴ مورد بحث و بررسی قرار داده است. (هال، ۱۳۷۶: ۷۰-۵۰)

4. Privacy
5. Personal Space
6. Growding
7. Territorid Behavior
8. Amos Rapoport
9. Rapoport, 1977
10. Guardo 1969, 143-151
11. Schwarts
12. Westin A, 1970

۱۳. مرزها یا موانعی است که فرد یا گروه با استفاده از آن بر دسترسی دیگران به خود نظارت می‌کنند و در واقع مفهوم مرز به معنای قائل شدن تمایزی میان خود و غیر خود است. پذیرا شدن یا نشدن دیگران به درون قلمرو خود تابع شرایط است و کمال مطلوب خلوت بر اساس زمان و شرایط تغییر می‌کند.

۱۴. منظور از بهینه‌سازی خلوت بررسی هر گونه انحراف از سطح مطلوب تعامل است. اگر افراد جامعه‌ای بتوانند به سطح مطلوب تعامل دست یابند، می‌توان گفت که آن نظام اجتماعی در حالت تعادل یا توازن است. اما اگر میزان رابطه کم‌تر یا بیش‌تر از سطح مطلوب باشد، موقعیت نامتعادل است.

رفتار متقابل اجتماعی نتیجه کنش متقابل دائم نیروهای گوناگونی است که افراد را به یکدیگر نزدیک و از هم دور می‌کند. در واقع، افراد گاهی می‌خواهند تنها و دور از دسترس دیگران باشند و زمانی دوست دارند، کسی را داشته باشند که شنونده گفتارشان باشد. خلوت آمیزه‌ای است از رابطه داشتن و رابطه نداشتن با دیگران. تمایل افراد به این دو حالت در زمان‌ها و شرایط مختلف فرق می‌کند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۳۶-۲۷).

۱۵. محدوده‌ای پیرامون بدن شخص
۱۶. دیدگاه‌های نظری در مورد فضای شخصی (آلمن، ۱۳۸۲: ۷۰)
۱۷. از قبیل 1920: Howard, 1961, Nice
18. Hussein El Sharkawy
۱۹. حسین الشراکوی، در رساله دکترای خود در دانشگاه پنیسیلوانیا تحت عنوان «قلمرو گرایی» تعریفی از قلمروهای مکانی به دست داده است.
۲۰. هویت که در مدل سلسله مراتب نیازهای مازلو مترادف نیاز به احساس تعلق، عزت نفس و خودشکوفایی در نظر گرفته شده، ایجاد شناسه برای فرد و تعیین نقش او در جامعه است. نیاز به انگیزش همان نیاز به خودشکوفایی است. نیاز به امنیت صورت‌های مختلفی دارد؛ آزاد بودن از سرزنش، آزاد بودن از حمله‌های بیرونی و اطمینان قلب از جمله آن‌هاست (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۷۰)
۲۱. تراکم توصیفی عینی است و ازدحام پدیده‌ای است تابع تجربه فرد. هر چند تراکم جمعیت در پیدایش احساس ازدحام نقشی اساسی دارد، ولی این احساس پدیده‌ای است ذهنی، زیرا تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی از یک سو و عوامل محیطی و فرهنگی از سوی دیگر قرار می‌گیرد (مرتضوی، ۱۳۸۰).
۲۲. ازدحام اجتماعی پیش از هر چیز حاصل حضور بیش از حد افراد در فضا است و حاصل فضای ثابت و تعداد متفاوت افراد است.
۲۳. تراکم فضایی: تراکم فضایی عبارت است از مقایسه گروه‌هایی با تعداد یکسان در فضاهایی غیرهم اندازه (مرتضوی، ۱۳۸۰).
۲۴. تراکم درونی و بیرونی: تراکم درونی بیان‌کننده نسبت تعداد نفرات به فضای درونی ساختمان است و تراکم بیرونی نسبت تعداد نفرات به فضای بیرون از ساختمان (مانند فضای باز مدرسه یا فضای سبز و آزاد مجموعه‌های آپارتمانی).
25. J.A. Desor
۲۶. به‌طور مثال بنگرید به: مصباح الهدایه و مفتاح الهدایه عزالدین کاشانی، رسائل شاه نعمت الله، دستورالعلماء قاضی عبدالنسی، الانسان الكامل عزب‌الدین نسفی (سجادی، ۱۳۶۶: ۸۱۳-۸۱۵).
۲۷. دکتر مهدی حجت، مجموعه گفتارهایی درباره خانه، مرکز هنرپژوهی نقش جهان، ۲۲ اسفند ۱۳۸۷.
۲۸. گوشه در فرهنگ معین به معنای، جای خلوت و جای دور از مردم تعریف می‌شود. مترادف با آن کلمه زاویه است که به معنای کنج، گوشه، خلوتخانه‌ای در خانقاه مخصوص عبادت زاهدان است. (معین، ۱۳۸۱). گوشه‌سازی در معماری هنگامی است که یک جهت به جهت دیگر تبدیل شده و تداخلی صورت گیرد تا فضای خاصی را به وجود آورده و بر آن تأکید شود (شفائی، ۱۳۸۶: ۱۹).
۲۹. معمولاً محلی که درویشان چله‌نشینی کنند، خلوت‌خانه گویند و نیز محلی که خالی از اغیار بود و درویشان نماز گزارند و ذکر خدا کنند (انسان کامل، نسفی؛ سجادی، ۱۳۶۶: ۱۲۸).
۳۰. اتاقی که در طبقه بالا کنار تالار قرار می‌گیرد و به آن ارتباط دارد (بالاخانه‌های دو طرف تالار) (حاجی قاسمی، ۱۳۷۷)
- * این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران می‌باشد.
- فهرست منابع و مراجع**
۱. آلمن، ایروین (۱۳۸۲)، **محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام**، ترجمه: علی نمازیان، ویراستار جواهر افسر، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۷)، «گنجنامه» **دفتر چهارم: خانه‌های اصفهان**، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۳. راپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، **انسان شناسی مسکن**، ترجمه خسرو افضلیان، ویراستار مهدی آتشی، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
۴. سجادی، سید جعفر (۱۳۶۶)، **فرهنگ معارف اسلامی**، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.
۵. شفائی، رضا (۱۳۸۶)، «رابطه موسیقائی نماز و بنای مسجد» باز شناخت معماری مسجد، **فصلنامه ماه هنر**، تهران.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، **تفسیر المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۷. فرگاس، جوزف (۱۹۴۷)، **روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی**، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، ۱۳۷۳، ابجد، تهران.
۸. گیفورد، رابرت (۱۳۷۸)، «حریم خصوصی»، ترجمه اکبر سرداری نوز، **معماری و فرهنگ**، ش ۲ و ۳.
۹. لنگ، جان (۱۳۸۱)، **آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط**، ترجمه علیرضا عینی‌فر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. معین، محمد (۱۳۸۱)، **فرهنگ فارسی**، آدنا، کتاب راه نو، تهران.
۱۱. مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷)، **روانشناسی محیط**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. نجم‌الدین رازی (۱۳۶۶)، **برگزیده مرصادالعباد**، انتشارات توس، چ دوم.
۱۳. هال، ادوارد توئیچل (۱۳۷۶)، **بعد پنهان**، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. حجت، مهدی (۱۳۸۷)، **مجموعه گفتارهایی درباره خانه**، مرکز هنرپژوهی نقش جهان، تهران.
15. Guardo, C.J. (1969), **personal space in children, Child development**, 40: 143-151
16. Rapoport, Amos (1977), **Human aspects of urban form : towards a man-environment approach to urban form and design**, pergamon press, New York.
17. Schwartz, Barry (1968), "The social psychology of privacy", **American journal of sociology** 73, no. 6: 541-542
18. Westin A. (1970), **Privacy and freedom**, Ballantine, New York.